

## سخنان جنگ افروزانه خامنه ای

سارا محمود

خامنه‌ای در سخنرانی چهارمهر ۸۰ خود تلاش کرد با انگشت گذاردن بر نقاط ضعف و جوانب منقی سیاست آمریکا، چهره کریه و رنگ پریده جمهوری اسلامی را در مقابل طرفداران بنیادگرایی اسلامی سرخ نگه دارد. مردم ایران می‌دانند که سیاست خارجی رژیم بر تقویت بنیادگرایی در منطقه و دشمنی با آمریکا ابزاری بود برای سرکوب داخلی و تحکیم دیکتاتوری فقیه بر کشور. اکنون که آمریکا بنیادگرایی اسلامی را بطور جدی در محاصره قرار داده و قصد خود را برای نابودی آن پنهان نمی‌کند، زمینه برای مانور در سیاست خارجی هم بر رژیم تنگ شده است. حالا رژیم او دو سو در معرض خطر جدی است. از سوی مردم که او تحمیل حکومت اسلامی بر کشور جداً به تنگ آمده‌اند و برای بدست آوردن حقوق مدنی و آزادی‌های خود لحظه‌شماری می‌کند، و از سوی ایالات متحده که دیگر از هیچ نوع نیروی بنیادگرای اسلامی سودی نمی‌برد و جنگ با آن را، نه فقط برای حذف خود آن، بلکه برای دست‌رسی به هدف‌های استراتژیک و پیش‌برد تاکتیک‌های لازم جهت این استراتژی ضروری دانسته و در مرکز سیاست جهانی خود قرار داده است. این فشار خارجی، آن‌هم پس از فاجعه ۱۱ سپتامبر و اثر آن بر افکار عمومی و ائتلاف بین‌المللی که آمریکا فراهم آورده است، تهدیدی جدی است که رژیم نمی‌تواند آن را دست‌کم بگیرد و اگر بگیرد سر خود را باخته است. هر رژیمی برحق یا نابرحق زمانی می‌تواند توانایی مقاومت در برابر چنین فشار عظیمی را داشته باشد که به مردم خود متکی باشد. اما ج-۱ در ایران رژیم منفوری است که نمی‌خواهد و نمی‌تواند در مقابل مردم کوتاه بیاید، زیرا حرکت از این سو را هم با نابودی خود برابر می‌داند. در حقیقت رهبران ج-۱ تهدید مردم را نزدیک‌ترین و بدترین خطر برای خود می‌دانند و هرگز به میل خود حاضر نخواهند شد راه را برای پیشروی مردم به سوی کسب حقوق خود باز کنند.

در این شرایط است که خامنه‌ای راه چاره را برای خود به عنوان رهبر مسلمین بنیادگرا بیل زدن در زمین نرم دیده است و بر انتقاداتی انگشت می‌گذارد که نیروهای مترقی و دمکرات نسبت به سیاست آمریکا دارند و به اتکاء همین انتقادات به عنوان رهبر مسلمین به‌الدرم بالدرم می‌پردازد. در حالی که مجموعه رژیم متوجه جدی بودن خطر و چاره‌یابی است.

در رابطه با سخنان خامنه‌ای باید تأکید کرد:

اولاً- انتقادات خامنه‌ای به سیاست آمریکا هر کس را بفریبید، مردم ایران را فریب نمی‌دهد، مردم ایران طی بیش از دو دهه با تحمل مصائب بسیار به خوبی ماهیت ضدامپریالیسم ارتجاعی را می‌شناسند، فرق انتقاد از موضع ارتجاعی و انتقاد از موضع آزادی‌خواهانه را می‌دانند، و می‌دانند خارجی‌ستیزی و آمریکاستیزی از اساس با دفاع از حق حاکمیت، استقلال و آزادی و دمکراسی و مسالمت‌طلبی انسانی در تضاد است.

مردم ایران از صمیم قلب از واقعه ۱۱ سپتامبر متأسف هستند، نه به خاطر مصلحت‌طلبی بلکه به خاطر فاجعه انسانی حاصل از آن و به خاطر پی‌آمدهای سیاسی آن که صلح و دمکراسی در جهان را در معرض خطر قرار می‌دهد، مردم ایران صمیمانه می‌خواستند و می‌خواهند بنیادگرایی اسلامی در جهان و در منطقه در محاصره قرار گیرد اگر چه نه در پی آمد یک حادثه شوم بلکه بر اثر پیشرفت دمکراسی.

ثانیاً- هر کس حق داشته باشد از سیاست آمریکا انتقاد کند، رژیم اسلامی در چنین انتقادی محق نیست.

رهبران رژیم در حقیقت به سیاست آمریکا در منطقه یک تشکر هم بدهکارند. زیرا وجود نحس این جمهوری یا لااقل دوام آن مدیون همان سیاست‌هاست، چه مستقیم چه غیرمستقیم. مستقیم برای آن‌که پدیده جهاد که به تأیید خود منابع معتبر راست در غرب از قرن ۱۰ به بعد در کشورهای اسلامی به فراموشی سپرده شده بود با پروژه آقای برژینسکی در نیمه دوم دهه ۷۰ در پاکستان و افغانستان احیاء شد و در دامن آن مجاهد و تروریست پرورده شد و سراسر منطقه را آلوده کرد، و غیرمستقیم به خاطر آن‌که حمایت یک سره آمریکا از اسرائیل و رژیم‌های ارتجاعی و بازگذاشتن دست آن‌ها در سرکوب نیروهای مترقی چپ و سکولار زمینه را برای شیوع

بنیادگرایی و تروریسم و جست و خیز نیروهای مثل رژیم اسلامی در منطقه فراهم نمود.

ثالثاً- همین ال‌درم یل‌درم‌های آقای خامنه‌ای - هر چند در متن سیاست‌های محتاطانه سایر سران حکومت اسلامی- به اجرا درمی‌آید. بهانه کافی فراهم می‌کند که پای ایران - نه فقط ج -ا- بیش از پیش به معرکه‌ای کشیده شود که مردم ایران از آن گریزانند. در حالی که آمریکا در جهان وضعیت جنگی اعلام کرده است و رسانه‌های معتبر در غرب نقش ستاد تبلیغات جنگی را ایفا می‌کنند. سخنان خامنه‌ای را به عنوان امتناع رژیم از مبارزه جهانی با تروریسم با آب و تاب نقل می‌کنند.

رژیمی که پرونده کثیفی در رابطه با ترور شهروندان خود ایران در داخل و خارج کشور و پرورش تروریست در خاورمیانه دارد، نفس وجودش خطری برای غرق شدن ایران در مهلکه نظامی‌گری کنونی است، وقتی که رهبر چنین رژیمی بر طبل آمریکاستیزی و غرب‌ستیزی می‌کوبد ابعاد این خطر صدچندان می‌شود، این شرایط ما مردم ایران را وادار می‌کند مبارزه برای آزادی، حقوق مدنی و اعاده حق حاکمیت خود از چنگال این رژیم را گسترش دهیم. اوضاع کنونی فرصت تأمل در این مبارزه را تنگ‌تر کرده است. اکنون مبارزه با رژیم اسلامی نه فقط به لحاظ داخلی بلکه از نظر سیاست بین‌المللی هم جنبه فوری پیدا کرده است زیرا تنها از طریق این مبارزه است که ما می‌توانیم در افکار عمومی جهانیان مرز روشن و برجسته‌ای بین رژیم و مردم ایران بکشیم تا اجازه ندهند در جریان اعلام به اصطلاح "جنگ جهانی علیه تروریسم"، مردم ایران به آتش سیاست‌های رژیم اسلامی بسوزند.